

درس خوانده بودند از ذائقه‌ای جهان وطنی برخوردار شده بودند (فصول ۲ و ۳). بنا به گفته فریدون، برادرش در جوانی علاقه‌ای به نویسندگانی چون آندره ژید و آندره مالرو پیدا کرده بود. اما میلانی از این تعلق خاطر داستانی می‌سازد گویی بین هویدای جهان‌وطن و قهرمان کتاب سرنوشت بشر یا قهرمانی از این است تشابهاتی وجود داشته است:

کلایک و بدبینی طنزآمیزش، سن‌ژوست و ایمان خلل‌ناپذیرش به قدرت شفابخشِ خشونت، آندره ژید و کیش ستایش امیال جسمانی‌اش، و حتی تروتسکی و اندیشه انقلاب دائمش...<sup>۲۱</sup>

فصل‌های سوم و چهارم نیز بر زمین لغزان بنا شده‌اند. در این فصول است که پرورش روشنفکری هویدا به واسطه یادداشت‌های خود نوشته هویدا در مورد زندگی‌اش - که در دوران نخست وزیری‌اش منتشر شدند - و نیز خاطرات برادرش بازسازی می‌شود. به عنوان مثال، هویدای دانشجوی دانشگاه بروکسل در سال‌های دهه ۱۹۳۰، شاگرد میان‌مایه‌ای توصیف می‌شود که «بخش مهمی از ذهن تیزبین و خود را برای یافتن شاخه گل و هدیه مناسب و کلمات تحسین‌آمیزی به کار می‌گرفت که می‌توانست این دوست را دلخوش و آن دیگری را تطمیع کند».<sup>۲۲</sup>

وقتی در ژوئن ۱۹۴۰ نازی‌ها فرانسه را اشغال کردند، عکس‌العمل هویدا به این صورت بوده است: «نه این خبر باورنکردنی است ... فرانسه! خاک آزادی، پناه دهنده فراری‌ها! تو تسلیم می‌شوی؟ دست از جنگ برمی‌داری؟ همان شب با تمام دوستان فرانسوی خودم به بدبختی تو گریه کردم. زیرا من تو را همیشه دوست داشته‌ام».<sup>۲۳</sup>

از قضا، عکس‌العمل هویدا وقتی نیروهای متفقین نیز ایران را اشغال کردند، بی‌شبهت به همان عکس‌العمل قبلی نبود: «ایران، ای ایران عزیز، تمام احکام‌الساعه متوجه توست...»<sup>۲۴</sup> در عین حال او توانست در همین سال‌های حاکمیت آلمان نازی بر اروپا از امتیاز کسانی که می‌توانستند «آریایی» بودن خود را اثبات کنند برخوردار شود و در طول تابستان چند بار از پاریس دیدن کرد. جایی که تحت - است - اعضا، خانواده‌اش که بست‌های بالای دیپلماتیک داشتند، توانست روزهای خوشی را بگذرانند. یکی از خویشاوندان او سفیر ایران در فرانسه بود و دیگری مسئول محل سفارت ایران در همین شهر.<sup>۲۵</sup>

هویدا در سال ۱۳۳۱ به ایران برگشت و بنا به - است - خانواده‌اش خواهاست استخدام در وزارت امور خارجه گردید و مدعی شد که دارای تحصیلات پیشرفته در - است - دپلماتسی است. حال آنکه او فقط لیسانس در علوم سیاسی داشت. این ادعای نادرست در مورد «تحصیلات پیشرفته» بعدها به یک جنب کامل آکادمیک تبدیل شد و هویدا را صاحب درجه دکترا از سوربون کرد.<sup>۲۶</sup> با کمک دوستان و اعضای تأمیل، هویدا سریعاً به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و همزمان دو